



همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

## کارآفرینی در پرتو مبانی علم حقوق

امین رستم زاده<sup>۱</sup> محمدامین رضازاده<sup>۲</sup>

### چکیده

کارآفرینی پروسه‌ای که موجب ارزش‌آفرینی و به‌عنوان رگ حیات توسعه بشر مطرح است و هدف از آن نیل به رفاه و عدالت و سعادت بشری با اتکا به قوه خلاقیت، فکر آفرینی و نوآوری است و شخص کارآفرین همه این نتایج ارزشمند را با خصوصیاتش (که منحصر به فرد است) به نتیجه می‌رساند و علم حقوق که غایتش رفاه، سعادت و عدالت بوده و حقوقدانان نیز مجری این مهم است، وجه اشتراکات و تعاملات بسیاری با علم کارآفرینی و فکر آفرینی خلاقیت و نوآوری به‌عنوان ارکان آن دارد و نهادینه کردن این فرهنگ و سبک در حوزه‌های مختلف رشته حقوق نتایج بسیار اثرگذار به هدف و ارزشمندی برای اهداف غایی کارآفرینی دارد. چه در بحث کارآفرینی به معنای اعم که شامل: خلق ایده‌های جدید، خلاقیت، فکر آفرینی و نوآوری در پروسه تکوین و تدوین قاعده حقوقی تا مراحل تصویب، اجرا، تفسیر، صدور حکم و موضوعات مرتبط و یا کارآفرینی به معنای اخص که شامل: ایجاد فرصت‌های کسب و کار جدید و اصلاح شیوه‌ها و خلق خدمات بدیع (برای فارغ‌التحصیلان حقوق) که دارای ارزش هست، شایان توجه است. در این مقاله به این سؤال پاسخ داده می‌شود که چه وجوه اشتراکی بین علم حقوق و کارآفرینی وجود دارد و چگونه علم حقوق با این‌همه گستره زیرشاخه‌هایش می‌تواند از علم کارآفرینی در تحقق متعالی غایت نهایی خود تغذیه و بهره‌وری نماید و به‌عنوان مصداق چند نمونه در حقوق ملی و رأی صادره در قضایای بین‌المللی و نیز قوانین تدوینی کشورها در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و حقوق تطبیقی به‌صورت کلی با بحث خلاقیت و نوآوری تحلیل و تطبیق شده و بر اساس نتایج این تحقیق بنا بر ضرورت تغییر خلاقانه و حفظ پویایی و پایایی قانون علی‌الخصوص در مباحث مرتبط سرمایه‌گذاری خارجی و بین‌المللی اقتصادی باید یک کارشناس حقوق و علی‌الخصوص حقوقدانان در حوزه‌های مختلف قالب و محتوای کاری و تخصصی و مطالعات حقوقی، با ذره‌بین نوآورانه و خلاقانه کارآفرینانه به موضوع نگریسته و به نکته‌های آرمانی نهادین شده این علم به شکل تصاعدی دست یابند.

**واژگان کلیدی:** کارآفرینی و فکر آفرینی، علم حقوق، خلاقیت و نوآوری، رفاه و عدالت، شکستن

شیوه‌های کلیشه‌ای، پروسه تکوین قاعده حقوقی

<sup>۱</sup> عضو گروه توسعه فناوری اطلاعات در مدیریت کسب و کار و گروه حقوق و مرکز حقوق خصوصی و داوری جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علم و فرهنگ تهران (a.rostamzadeh@usc.ac.ir)

<sup>۲</sup> عضو هیات علمی و گروه توسعه فناوری اطلاعات در مدیریت کسب و کار و گروه حقوق و مرکز حقوق خصوصی و داوری جهاد دانشگاهی آذربایجان غربی، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران



## همایش ملی ایده‌های کارآفرین و فرصت‌های جدید کسب و کار

### اهمیت

واژه کارآفرینی از ریشه فرانسوی کلمه "Entrepredre" گرفته شده است، بر این اساس کارآفرین کسی است که تعهد می‌کند تا سازمان‌دهی و مدیریت کسب و کار جدیدی را که توأم با ریسک است، بپذیرد.

سازمان بین‌الملل کار "ILO" آورده است: کارآفرینان کسانی هستند که توانایی دیدن و ارزیابی فرصت‌های کسب و کار را دارند. آن‌ها منابع لازم را جمع‌آوری کرده و با کاربرد آن‌ها موفقیت خودشان را تضمین می‌کنند.

کارآفرینی به‌عنوان رگ حیاتی توسعه بشری در ابعاد مختلف زندگی بشر، قابل‌بحث در حوزه‌های اجتماعی حقوقی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و ... است. شومپیتر پدر علم کارآفرینی؛ "کارآفرینی را موتور محرکه توسعه جامعه" قلمداد کرده است. (احمد پور داریانی، ۱۳۸۰: ۳-۱۴)

امروزه با عنایت به معضل بیکاری جوانان و ظهور پدیده کارآفرینی در دو دهه اخیر این مهم فقط از منظر کار و اقتصاد و اشتغال مورد بحث قرار گرفته و زوایای مختلف این موضوع مهجور مانده است و اما کارآفرینی به‌عنوان متحول کننده و عاملی برای رشد تعالی از اهمیت فوق‌العاده‌ای در جوامع مختلف و در تمامی ابعاد آن برخوردار شده است و برای تحقق آن نیز با رویکرد علمی تکنیک‌هایی جهت تقویت عناصر این مهم پیش‌بینی شده است (هیگینز، ۱۳۸۱: ۵۱-۷۰) تا با حل و یا ترمیم و ایجاد خلاق و نوآورانه مسئله و موضوع ... مدنظر مدلی ذهنی خلق شود که اثربخشی آن در ضریب رشد برای رسیدن به آرمان غایی موضوع باورکردنی نباشد (صمد آقایی، ۱۳۸۵: ۱-۱۴)

چون امروزه حل مشکلات مردم و رسیدن به رفاه چه از طریق خودشان و چه از طریق مراجع مورد نظر خصوصی و دولتی نیازمند اتخاذ رویکرد خلاقانه جدید برای نیل به کاهش مدت‌زمان انتظار و کم کردن پروسه مورد نظر و نتیجه دهی بالاتر و از همه مهم‌تر، کیفی‌تر کردن آن‌ها در تمامی موضوعات و حوزه‌ها و ابعاد مختلف آن هست و این ایده آل محقق نمی‌شود، مگر اینکه خلاقیت به‌عنوان یکی از ارکان مهم کارآفرینی (که می‌توان از آن به فکر آفرینی نیز تعبیر نمود)، در جامعه و ذهن مردم و متولیان به شیوه‌ای اصولی فرهنگ‌سازی و نهادینه شود. (رستم زاده، ۱۳۸۹: ۵-۱۰)

در جامعه کنونی کارآفرینی و فکر آفرینی برای شروع هر چیزی به یکی از اساسی‌ترین منابع و پتانسیل‌های مورد نیاز تبدیل شده و از همه مهم‌تر جامعه دیگر برای رشد و تعالی خود مثل چندین دهه



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

پیش به‌عنوان یکی از ارکان رشد نیازمند کارآفرینی نیست، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و اولویت‌دار برای حرکت تصاعدی در این مسیر فزاینده است. (زبردست، رستم زاده، ۱۳۸۵)

موضوع دیگری که در بحث کارآفرینی می‌توان ذکر کرد، این است که کارآفرینی و فکر آفرینی فرآیندی محدود و محصور و مختص نیست، بلکه این مهم آن‌قدر ارزشمند و حیاتی است که باید اندیشمندان و محققان تمامی رشته‌ها و علوم مختلف مبحث کارآفرینی و فکر آفرینی را با آن علم عجین کنند تا به دستاوردها و روزنه‌ها و رویش‌های بدیع‌تر و نزدیک به‌غایت اصلی آن حوزه از علم دست یازند.

و اما خود مبحث کارآفرینی در کلیت موضوع به فرآیندی گفته می‌شود که از یک ایده که حاصل ضرورت یا فرصتی است که در حوزه خاصی متولد شده و سپس در مراحل مختلف باروری با خلاقیتی بیشتر از پیش عجین شده و بعد از پردازش آن بر اساس واقعیت‌های موجود در ذات خود و عارضه‌ها و شرایطی که می‌تواند آن را تحت تأثیر قرار دهد، به مرحله نوآوری رسیده و عاملی جهنده برای رها شدن از یک تکرار و کلیشه منفی و یا حتی مثبت است. (فیض بخش، تقی یاری، ۱۳۸۵: ۶-۱۳)

واژه کارآفرینی ناخودآگاه ذهن را به مباحث مرتبط به کار و اشتغال هدایت می‌کند، اما غایت اصلی آن تحول در روند و فرآیند موضوع است و گاهی بازگشت به اصل و ذات قبلی و هرازگاهی با شکستن قالب فعلی و گاهی با ترکیب خلاقانه انواع موجود از موضوعات مبتلابه و یا تغییر و دست‌کاری کوچکی در پروسه مدنظر، به شکلی باورنکردنی و اثرگذار حاصل می‌شود و این مهم باعث کثرت رویش‌های جدیدتر و بدیع‌تر در ذهن در موقع استفاده از این واژه مهم و اساسی می‌شود و هدف، رسیدن به نتیجه خلاقانه و کاربردی و عملیاتی در این دریای بیکران علم است (رستم زاده، ۱۳۸۹: ۷-۸) و در مجموع در کنار بسیاری از برکات کارآفرینی می‌توان اذعان نمود که کارآفرینی کیفیت زندگی بشر را بهبود می‌بخشد. (سالازار، ۱۳۸۰: ۱۸)

پس استفاده از فکر آفرینی و کارآفرینی در معنی اعم و اخص آن به‌عنوان یک ضرورت حیاتی و اساسی برای رسیدن به‌غایت علوم مختلف نیازی مبرم است که باید باظرافت و اختصاص وقت و هزینه این فرهنگ و سبک به‌عنوان یک اصل در علوم مختلف و در تمامی زوایای آن نهادینه‌شده و شاهد رشد کاربردی‌تر و عملیاتی‌تر علوم در زندگی بشری مورد بهره‌برداری قرار گیرد که این مهم محقق نخواهد شد، مگر اینکه فرهنگ کارآفرینی و فکر آفرینی به اصلی بی‌بدیل و لازم در جامعه تبدیل شود و یقیناً علم حقوق نیز نمی‌تواند به خاطر شرایط متفاوت‌تر از علوم دیگر و پابندی به متون قانونی و اصول ثابت حقوقی از این مهم مستثنا گردد و با درون‌کاوی، دقت و تدبر و تأمل محتوایی در حوزه‌های مختلف علم حقوق، متوجه می‌شویم که تمامی ابعاد رشته حقوق از عطش این فرهنگ رنج می‌برد و به خاطر عدم سازمان‌دهی و



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

شناسایی واقعی وعدم مدیریت صحیح در حوزه‌های مختلف علم حقوق این فرهنگ ابتر مانده و شاهد رویش‌های جدیدتر به شکل کمی‌تر و کیفی‌تر نیست.

لذا می‌طلبد که فرهنگ کارآفرینی و فکر آفرینی به شکل ظریف و کارشناسی به صورت تخصصی از سوی محققین و پژوهشگران علم حقوق و کارآفرینی موردتحقیق و پژوهش قرار گیرد؛ و سؤال این تحقیق نیز در همین راستا طرح‌ریزی شده است که چه وجوه اشتراک بین کارآفرینی و علم حقوق وجود دارد؟ و چگونه علم حقوق می‌تواند از کارآفرینی در تحقق آرمان و غایت نهایی خود بهره‌مند و بهره‌وری نماید؟

### ضرورت

علم حقوق یکی از علمی است که شاید بیش از علوم دیگر نیازمند نهادینه شدن فرهنگ فکر آفرینی و کارآفرینی و خلاقیت و نوآوری است.

امروزه تنوع بخشیدن و کوتاه کردن پروسه‌های کلیشه‌ای و تلفیق و ترکیب خلاقانه و ساختارشکنی قالب و شیوه‌های تفکر کم بازده و ارتقاء آن و خلق محصولات که بتواند خلاقانه اندیشیدن و زیستن و انجام دادن را برای بشر فراهم نماید، از ضروریات زندگی جوامع بشری محسوب می‌شود. ضرورت‌های اقتصادی و سیاسی و آرمان‌های اخلاقی و مذهبی هرکدام در این مسیر سهم بسزایی دارد. قانون‌گذار باید به‌وسیله تجربه و مشاهده به یاری جامعه‌شناسی، این ضرورت‌ها را بشناسد.

علم حقوق مانند علوم تجربی در پی احراز واقعیت‌ها نیست، نتیجه این کاوش‌ها در ترازوی عقل سنجیده می‌شود و قانون‌گذار می‌کوشد تا بهترین قاعده را در این میان بیاورد و در انتخاب آن نظم عمومی و عدالت را هر چه بیشتر رعایت کند. درست است که هدف تمام قواعد حقوقی تأمین آسایش و نظم عمومی و اجرای عدالت است؛ ولی معلوم نیست این مفاهیم مجرد و کلی را چگونه باید با حقایق خارجی تطبیق کرد و معیار تشخیص عدالت چیست؟

هنوز انسانیت به پاسخ قاطعی دست نیافته است که آیا هدف از ایجاد قواعد باید آسایش و آزادی فرد باشد و شخص انسان مبنا و هدف آن قرار گیرد، یا هدف اصلی تأمین نیازهای اجتماعی است؟ و فرد به‌عنوان جزئی از آن موردتوجه است یا سرانجام باید امر سومی را هدف اصلی قرار داد؟ که مکاتب حقوق اصالت فرد و اصالت حقوق اجتماعی و دولتی زاییده همین تفکرات است. (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳۵)

دکتر کاتوزیان در تعریف قاعده حقوق آورده است: «قاعده‌ای الزام‌آور که به‌منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود.»



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

با تدبیر در این تعریف متوجه می‌شویم که عدالت، یکی از ارکان مهم تعریف قاعده حقوقی، به‌عنوان ابزار دست یازیدن به هدف اصلی علم حقوق مورد اشاره و تأکید قرار گرفته است.

تاریخ زندگی بشر همواره در تلاش برای راه تمیز و اجرای عدالت تشکیل شده، ولی نه تنها به دلیل مجرد بودن این مفهوم بلکه به خاطر نسبی بودن آن نیز این تلاش پایان نمی‌پذیرد و همچنان ادامه می‌یابد. عدالت در هر زمان و مکان با توجه به مجموع شرایط اقتصادی و سیاسی و اجتماعی خاص آن بایست معین شود و نباید آن را ثابت پنداشت، به بیان دیگر عدالت مفهومی اخلاقی است و همراه با اخلاق دگرگون می‌شود و در مجموع به‌طور خلاصه به دلیل مجرد و نسبی بودن مفهوم عدالت و برخورد اجرای آن با نظم قواعد حقوق، گاه از عدالت فاصله می‌گیرد. هر چند که گرایش به سوی آن را به‌عنوان آرمانی مطلوب همیشه حفظ می‌کند به همین جهت است که در تعریف حقوق عدالت آن را در زمره اصلی بحث ذکر می‌کنیم. (همان: ۳۸)

در نتیجه هدف و غایت علم حقوق عدالت است، عدالتی که درست است در تعریف مشخص و معین و دست‌نیافتنی توصیف می‌شود، اما در عمل امکان دارد. عدالت معانی مختلفی را بر اساس مقتضیات عارض شده زمانی، مکانی و موضعی بر خود تحمیل نماید. چنانکه درمی‌یابیم فکر آفرینی و خلاقیت یکی از خصیصه‌های بارزی است که یک حقوقدان برای رسیدن به معنی واقعی عدالت در مفهوم کاربردی به آن‌ها نیاز حیاتی پیدا می‌کند و نمی‌تواند با یک شیوه تفکر و استدلال سنتی و کلیشه‌ای که شاید در موضوع یا موضوعاتی نتیجه هم بدهد به عدالت واقعی دست یابد؛ پس فکر آفرینی و کارآفرینی می‌تواند شیوه و ابزار جدید (شاید از بعد عنوان دهی) نیل به عدالت باشد و به‌نوعی تضمین‌کننده نیل به عدالت در موضوعات مشابه، اما با شرایط عارضه‌ای متفاوت باشد.

این بحث نمونه‌ای مصداقی برای درک فرهنگ فکر آفرینی و خلاقیت در شیوه استدلال یا تدبیر در علم حقوق بود. پس ضرورت وجود فرهنگ و علم کارآفرینی و فکر آفرینی و خلاقیت در رشته حقوق انکارناپذیر و اجتناب‌ناپذیر، نسبت به نیاز مردم و جا افتادن عدالت و سعادت و رفاه مردم تلقی می‌شود.

### بحث و بررسی

با عنایت به موضوعات کلی مطروحه در بخش «ضرورت» این مقاله، برای بیان دقیق و تخصصی‌تر کردن مسئله به شرح، بحث و بررسی و قیاس دو متغییر اصلی مدنظر آن پرداخته می‌شود.

دکتر کاتوزیان در فنون مربوط به تنظیم قواعد و نوشتن قانون آورده است؛ برای وضع قانون مفید، پی بردن به قواعد مفید کافی نیست. باید قواعد حقوقی به زبانی گفته شود که برای عموم قابل فهم باشد و به اندازه‌ای صریح که دادرس را در اجرای آن دچار تردید نسازد و درعین حال به او مجال توجه به



## همایش ملی ایده‌های کارآفرین و فرصت‌های جدید کسب و کار

اوضاع و احوال خاص هر دعوی را بدهد و راهی برای اجرای عدالت باز بگذارد. رعایت نکردن این امور از ارزش قوانین و میزان احترام نسبت به آن می‌کاهد و مأموران اجرای قانون را نیز با دشواری‌های گوناگون روبرو می‌سازد. جمع این صفات در قانون به آسانی فراهم نمی‌شود، ذوق تجربه و معلومات فراوان می‌خواهد و به شکیبایی بی‌نظیری نیاز دارد.

در یک مقایسه تطبیقی تعریفی بین یک حقوقدان و کارآفرین و با عنایت به خصوصیات کارآفرینان که یک کارآفرین باید عاشق بوده و از آزمون و خطا بپرهیزد و بدون تعصبات و محدودیت‌های فکری به خلق ایده و اثر پردازد و صبر و شکیبایی را با مدیریت غیر عجولانه در هم بیامیزد و خلاقانه همه فرصت‌ها و واقعیت‌های فعلی و آتی را بسنجد و خلاقانه موضوع را به‌عنوان مشکل تبدیل شده به مساله تعریف کرده و برای حل مشکل و تناقضات راه‌حل‌ها و ایده‌های خلاقانه خلق کرده و ابزارها و تکنیک‌های حل خلاق مساله را نوآورانه برای تحقق عدالت اجتماعی و هدف آرمانی خود بکار گیرد از سویی پردازش فکری او صرفاً محدود به صورت موضوع نباشد چراکه خلق ایده با سیر تفکر در سیرت موضوع حاصل می‌شود و در این راه نباید از تجربه و قیاس و تطبیق با سایر ایده‌های مشابه مدنظر غافل شود چراکه تطبیق مشابهات سبب عدم تکرار آزمون و خطا و نیل به ایده جدید منتهی می‌شود از همه مهم‌تر شناخت نیاز و ذایقه مخاطب و نیازسنجی بازار و یا حتی بازار سازی برای مخاطب و تولید و خلق ایده برای آنان و شکستن تکرارها و کلیشه‌های عدالت نما و نوآوری در شیوه‌ها و احترام به خواسته و نیاز بشر به شکل خاص و جامع جهت حفظ ارزش و کرامت بشریت (رستم‌زاده، ۱۳۹۲: ۴۳) از خصیصه‌های مشترک ایده آل این دو علم است که با نگرش تطبیقی محتوایی‌تر محرز می‌شود و در علم حقوق در بحث روش دادرسی وظیفه قاضی فقط اجرای صرف و خشک قوانین، بدون ایفای نقش سازنده خود نیست بلکه دادرس ناچار است قانون را در مواقعی که پیش‌بینی نشده و یا قانون مجمل و متناقض است به شکلی فکرآفرینانه و خلاقانه تفسیر و مفهوم درست قلمرو آن را معین ساخته و اراده قانون‌گذار را به یاری منطق، به شکلی خلاقانه دریابد و خود را محدود به الفاظ و عبارات قانون نسازد که همگی این خصایص از ویژگی‌های کارآفرین و افراد خلاق و نوآور است.

آموختن علم حقوق امروز، روش خاصی پیدا کرده است که نباید با شرح تفسیر مواد قانونی اشتباه کرد، بلکه یک حقوقدان باید متوجه تحولات رویه قضایی در تلاش اصلاح قوانین و حذف جرم‌انگاری‌های بی‌جا باشد و باید نظر قانون‌گذار را در زمان وضع قانون بیابد و آن‌گونه که منطق او حکم می‌کند روح قانون را در مسائل گوناگون به دست آورد و یا درست است که قانون مهم‌ترین منبع حقوق است؛ ولی معنی واقعی قانون در محاکم تعیین شود و در آنجاست که قاعده کلی و بی‌جان به صورت مقررات پویا و پایا درآمده و عالم حقوق نباید خود را محدود به روشن ساختن حقوق کنونی کند. بلکه بایستی ارزش قواعد آن را معین کند و برای قانون‌گذار راهگشا و مشاور باشد. اوست که باید از تمام علوم اجتماعی، مذهب، اخلاق و حتی



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

مدیریت، خلاقیت، نوآوری و فکر آفرینی بهره گرفته و با توجه به وضع اقتصادی، سیاسی، تاریخی، فرهنگی کشور بهترین و عادلانه‌ترین قواعد را پیشنهاد کند و آن‌ها را به‌گونه‌ای منعطف و بر اساس غایت حقوق به‌صورت قواعد اصولی و قابل فهم و اجرا دربیابود. (کانوزیان، ۱۳۷۷: ۷۶)

موارد مورد اشاره نمونه مصدق از کارآفرینی در علم حقوق است موارد تطبیقی دیگری نیز به معنای کلی کارآفرینی در علم حقوق برای اشتغال فارغ‌التحصیلان این رشته وجود دارد که به‌نوعی ظرفیت‌های آن در قانون نیز پیش‌بینی شده، ولی کار نشده است و با کمی خلاقیت می‌توان کسب و کارهای جدیدتر و به‌صورت بین‌رشته‌ای با علوم دیگر را طراحی، تدوین و نیازسنجی کرد و ضمن اشتغال‌زایی، خدمات و رفاه باکیفیت‌تر را نیز به جامعه هدیه داد و به‌نوعی کار قضات و محاکم را کاهش داد و در مواقعی این فعالیت علمی و تخصصی گزارش شده و شرح وضعیت که به‌صورت مطالعاتی تهیه و تدوین شده، می‌تواند کمک‌کار آراء قضات باشد یا اینکه فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های حقوق در هر منطقه و شهری می‌توانند به‌عنوان داوران یا مشاوران و کارشناسان حقوق تحت عناوین مختلف «داور یار و یا مصالحه یار و...» مؤسسه‌ای داشته و با ترسیم واقعی کیفیت و هزینه فایده و برآورد ضرر و یا ارزش افزوده موضوع دعوی در زمان صدور و اجرای حکم و به نتیجه رسیدن پرونده و بحث زمان هزینه شده طرفین و سایر مسائل روحی و روانی و سایر مؤلفه‌های عارضی به طرفین ... راه‌حلی را پیش‌بینی و در اختیار طرفین قرار دهند که مصالحه صورت پذیرفته و یقیناً برکات زیادی خواهد داشت.

البته لازم به ذکر است این موضوع در قواعد پیش‌بینی شده، اما اندیشه خلاق باید با شیوه‌های متنوع و مختلف و قالب‌بندی فکرآفرینانه این ظرفیت حقوقی را شکوفا نموده و زمینه کارآفرینی در علم حقوق را رونق دهد و یا بحث تشکیل رایزن‌های حقوقی و یا مشاوره‌های حقوقی و اقتصادی متشکل از چند وکیل جهت مذاکره و حل و فصل اختلافات و یا در راستای تهیه و ارائه اطلاعات و شناسایی قواعد حقوق تجارت کشورها و یا سایر قواعد مدنظر و یا تسهیلات سرمایه‌گذاری خارجی و شناسایی مناطق مستعد اقتصادی کشورهای خارجی و قوانین مربوطه و... نیز از جمله نمونه‌های دیگری از کارآفرینی در علم حقوق می‌تواند باشد و یا طراحی ساخت سیستم پروسه‌ایی و محصول نرم‌افزاری خلاقانه جدید که بتواند در موضوعات حقوقی کمکی برای رفع نیازهای قضات، وکلا، سردفتران و مشاوران حقوقی و حتی مردم در مسائل حقوقی باشد و هم‌چنین ایده پردازی در خصوص اصلاح فرآیندها و شیوه‌های مشاوره‌ای کلیشه‌ها و موضوعاتی از این دست می‌تواند موضوع کارآفرینی در علم حقوق باشد.

در بحث تخصصی‌تر رشته حقوق از این منظر لزوم نگرش خلاقانه، نوآورانه و بروز کردن قانون که در بعضی از رشته‌های تخصصی حقوق شاید تغییر مستمر و مقطعی آن با اصلتش در تضاد باشد اما در بعضی



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

از قوانین مخصوصاً زمانی که در حیطه بین‌الملل قرار گرفته و یا با موضوعات اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی مرتبط می‌شوند این تغییر خلاقانه و نوآورانه بسیار حیاتی و موافق با ذات مقتضایش است؛ بطوریکه بر اساس مطالعه‌ای در سال ۱۹۸۷ موانع سرمایه‌گذاری در ۳۳ کشور تقریباً مشابه بوده و در طول ۱۳ سال سرعت اصلاح و رفع موانع در میان این کشورها متفاوت بوده است. در این میان ایران در منطقه مربوطه از این حیث جزء کشورهای است که کمترین سرعت مربوط را دارا بود و بالاترین سرعت از آن چین بوده است. همچنین از سال (۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰) ۱۱۸۵ قانون، در کشورهای مختلف برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی به تصویب رسیده است. در سال (۲۰۰۰) ۶۵ کشور اقدام به تغییر قانون برای جذب سرمایه کردند؛ که این روند در آن مقطع زمانی برای ایران بسیار کند و بطئی بوده است. (غنی نژاد، ۱۳۸۰: ۴) و یا در بحث مهم و اساسی حقوق تطبیقی قوانین مختلف کشورها صرف تطبیق عادی قوانین هم می‌تواند مثمر ثمر باشد اما باید جنس تطبیق را غنا و عمق بخشید که نیازمند تفکری از جنس خلاقیت و نوآوری است و یقیناً چنین جنس نگرش‌هایی به علم ارزشمند حقوق در مقایسه با سایر رشته‌ها نقش حقوق را به‌عنوان اساس توسعه پایدار بشر از ابعاد مختلف و اثرپذیری دیگر علوم از علم حقوق و جایگاه متعالی و کاربردی آن دوچندان کرده و جایگاه ارزشمند آن ملموس‌تر خواهد بود و یا در تحلیل عنصر فکر آفرینی و خلاقیت و نوآوری در سایر مبانی علم حقوق به‌عنوان مثال می‌توان به موضوع توافقات بین‌المللی در قالب‌های مختلف حقوق بین‌الملل اشاره کرد. به‌عنوان مثال دیپلمات‌ها و یا متخصصین وزارت خارجه به‌غیر از بحث تخصصی حقوق بین‌المللی باید از چنان فکر آفرینی، خلاقیت و نوآوری برخوردار باشند تا با امعان نظر قرار دادن بحث مسئولیت‌های بین‌المللی و تعهدات ایجادشده از یک سند توافق بین‌المللی طوری عنوان سند انتخاب شود تا ضمن تأمین ضروریات مدنظر بحث ضرورت تصویب آن در پروسه داخلی در مواردی که شاید لزومی هم به لحاظ محتوای حقوقی و مدنظر قانون‌گذار وجود ندارد نباشد و یا به شکلی در فحوای سند و ارکان آن بر روی کلماتی تأکید و رایزنی داشته باشند تا در تفسیرهای آتی نهایت اهداف مدنظر منافع ملی تأمین شود و از جهتی در دام واژه‌های انگلیسی حقوقی چند مفهومی رایزن‌های خلاق طرف‌های مقابل نیافتند و یا در بحث سرمایه‌گذاری خارجی وقتی قانون مختص سرمایه‌گذاری کشورها مطالعه می‌شود متوجه می‌شویم قانون‌گذار کشوری خلاقانه در مقدمه و یا ماده‌های ابتدایی قانون صحبت از وسعت نظر قانونی بدون هیچ محدودیتی برای شخص خارجی می‌نماید و قانون کشور همسایه دیگر با همان عیار حقوقی اما از باید‌ها و نباید‌ها و خط‌ونشان‌ها برای سرمایه‌گذاری خارجی صحبت می‌کند درحالی‌که همان قانون‌گذار اولی خلاقانه اهداف و محدودیت‌های کشور را با استخدام جملاتی در مابین ماده‌ها پیاده می‌نماید و یا در بحث ملی کردن اموال سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان یکی از مباحث مهم حیاتی مدنظر سرمایه‌گذار و وکلای حرفه‌ای اش کلمات و نه جملات مربوطه در ماده مورد رصد و جراحی قرار می‌گیرد که باید خلاقیت و



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

نوآوری قانون‌گذار به کمک تحقق اهداف اصلی قانون بیاید. کلمات در علم حقوق چه در ماده‌های قانونی، چه در آرای قضات و دادگاه‌ها و نظرات داوران و چه در قراردادهای داخلی بین‌المللی نقشی بسیار حائز اهمیت و مثمر ثمر دارد به‌عنوان مثال دیوان داوری در دعاوی نفتی در خصوص کم و کیف پرداخت غرامت در مبحث ملی کردن در قضیه آموکو در مورد ضابطه غرامت، رأی صادره کرده که حاوی نوآوری حقوقی و نکات مهم و روشنگری‌های باارزشی است مورداشاره قرار می‌گیرد. به نظر دیوان داوری اثر تفکیک بین سلب مالکیت مشروع و غیر مشروع، در غرامت قابل پرداخت تجلی می‌کند. دیوان ابتدا به ماده (۲) ۴ از عهدنامه مودت ایران و امریکا به‌عنوان قانون خاص اشاره می‌کند و می‌گوید طبق این ماده ضابطه غرامت در سلب مالکیت به نحو مشروع عبارت است از «غرامت عادلانه» که باید معادل ارزش کامل مال باشد. نوآوری دیوان درباره ضابطه غرامت در تفسیری است که از مفهوم «ارزش کامل مال» به دست می‌دهد (بندهای ۲۰۹ - ۲۰۷ رأی آموکو). دیوان می‌گوید «ارزش کامل مال» عبارت است از ارزش آن در زمان سلب مالکیت و عناصر تشکیل‌دهنده «ارزش کامل مال» نیز عبارت است از ارزش اجزای عینی و غیر عینی مال مربوط، به‌اضافه یک ارزش کلی دیگر در همان زمان به‌عنوان منافع آتی مال که آن را "future prospect" نامیده است. دیوان به این ترتیب عنصر عدم‌النفع را از مجموع عناصر تشکیل‌دهنده ارزش مال (غرامت) خارج می‌کند. در صورتی که در حالت سلب مالکیت به‌صورت غیر مشروع، «ارزش کامل مال» عبارت است از ارزش اجزای عینی و غیر عینی آن در زمان سلب مالکیت به‌اضافه عدم‌النفع از دست‌رفته تا زمان صدور حکم (محبی، ۱۳۸۵: ۶۱-۶۲). همان‌طور که در متن فوق به نوآوری دیوان در رأی صادره اشاره شد و به‌نوعی عدم‌النفع مطلق را از مجموع عناصر تشکیل‌دهنده ارزش مال (غرامت) خارج کرده و بر محاسبه آن فقط از زمان سلب مالکیت تا تاریخ صدور حکم تأکید داشته است که حاصل خلاقیت تفسیر و نوع نگاه موشکافانه دیوان برخلاف رویه و یا تفسیر کلیشه‌ای جاری حسب اوضاع و احوال و شرایط خاص قرارداد است که این مهم نقش‌آفرینی خلاقیت و نوآوری هر چه بیشتر را در شاخه‌های مختلف رشته حقوق متجلی می‌نماید و یا در موضوع سرمایه‌گذاری خارجی به‌عنوان شاه‌کلید توسعه کشورها که قوانین مرتبط نقش تعیین‌کننده در جذب سرمایه‌گذار خارجی دارد به‌عنوان مثال قانون سرمایه‌گذاری خارجی ترکیه قانون‌گذار تسهیلات و رویه‌های تشویقی را به شکلی خلاقانه و متفاوت و مختلف و غیر یکسان در کل کشورش تقسیم کرده که شاید در مرحله اول به‌نوعی تبعیض‌آمیز به نظر رسد اما با نگاهی محتوایی و جامع‌تر و خلاقانه‌تر این رویه نوآورانه حقوقی بسیار جالب و جذاب برای سرمایه‌گذار خارجی جهت توسعه مناطق سردسیر و توسعه‌نیافته شرق ترکیه قلمداد می‌شود که اتفاقاً با کشور ایران در رقابت برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است و چنین رقابتی با خلاقیت‌های حقوقی قانون‌گذار ترک برگ برنده را به کشوری که نظام تقنینی حقوقی‌اش با نوآوری و خلاقیت عجیب شده تقدیم می‌کند (رستم زاده، ۱۳۹۱: ۱۲۷).



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

### نتیجه‌گیری

هرچند که میزان انعطاف علم حقوق البته از منظر محتوای قواعد حتی در زیرشاخه‌ها متفاوت بوده و مثلاً قواعد حقوق عمومی پویایی و تحرک بیشتری از قواعد حقوق خصوصی دارند چراکه ارکان تأسیس یا تقنینی هرگاه مصلحت اقتضا کند می‌توانند بنا به اراده خود مبانی حقوق عمومی را تغییر دهند ولی در حقوق خصوصی قانون‌گذار باید اوضاع حاصله از حقوق مکتسبه افراد را رعایت کند و حتی‌المقدور از تغییر قواعد حقوقی اجتناب کند یا اینکه در صورت لزوم تصمیمات جدید خود را منطبق با گذشته می‌گیرد (قاضی ۱۳۷۸: ۲۲، ۲۳) اما با این تفاوت‌ها در شکل موضوع در علم حقوق که هرچند در زیرشاخه‌های آن نیز متفاوت است در مجموع ابعاد مختلف و محتوایی‌تر این علم همیشه تشنه خلاقیت نوآوری فکر آفرینی و کارآفرینی است بطوریکه چه در بحث تقنین و تفسیر و نحوه استفاده از رویه و یا صدور رأی در حقوق داخلی و ملی و یا در بحث بین‌المللی در حوزه تقنین قواعد خاص و عام سرمایه‌گذاری خارجی و یا صدور نظر نوآورانه دیوان داوری در بحث پرداخت غرامت در قضیه آموگو به صورت مصداقی مورد اشاره شد و با عنایت به مطالب فوق‌الذکر و اهمیتی که نوآوری، فکر آفرینی، خلاقیت و بالاخره کارآفرینی، امروزه در تمامی علوم مختلف برای خود کسب کرده و جایگاه ویژه و ارزشمندی در توسعه مترقیانه علمی علوم مختلف ایجاد کرده است، چه از بعد اعم و اخص موضوع و مؤلفه‌هایی که به‌عنوان مصداقی در هر دو وجه علم حقوق ذکر شده می‌طلبد که موضوع مهم کارآفرینی و فکر آفرینی، نوآوری و خلاقیت با زوایای مختلف مرتبط این رشته (علم حقوق) جدی گرفته‌شده و با راهکارها و ابزارهای علمی و تخصصی و کارشناسی و انجام مطالعات و پژوهش‌ها، ابزارهای نهادینه کردن فرهنگ کارآفرینی و فکر آفرینی، خلاقیت و نوآوری در علم حقوق را احصا کرده و به عملیاتی کردن این مهم پرداخت، چراکه وارد شدن این موضوعات حیاتی در علم حقوق امروزه به یک ضرورت حیاتی در علم حقوق تبدیل شده و هرروز نیز بیشتر خواهد شد باری که انعطاف خلاقانه موضوعات حقوقی از ابعاد مختلف در عرصه موارد مرتبط با حقوق بین‌الملل بسیار توسعه‌یافته و در فحوی موضوعات مرتبط با این موضوع به‌کرات بیشتر از حقوق داخلی کشورها قابل مشاهده است و می‌توان اذعان نمود که در چند سال آینده علم حقوق بدون کارآفرینی و فکر آفرینی نه تنها در کاربرد بلکه در توسعه محتوایی نیز حتی باوجود خصیصه‌های منحصر بودن این علم در پایداری محتوا بی‌معنی خواهد بود هرچند که در حال حاضر نیز با یک نگاه نیمه عمیق این مهم قابل درک است اما با توجه به روند تغییرات پرشتاب فناورانه جهان لزوم مطابقت و انعطاف محتوایی قوانین تقنینی جهت بسترسازی برای انعطاف خلاقیت استنباطی نظر قاضی و یا داور و... در مقام تفسیر و صدور رأی و نظر و نیز در مباحث مهم و حیاتی اقتصادی و سرمایه‌گذاری خارجی برای کشورها می‌طلبد تا قوانین متناسب با ادبیات و



## همایش ملی ایده‌های کارآفرینانه و فرصت‌های جدید کسب و کار

گفتمان حقوقی دنیا مورد پرداخت حقوقی قرار گرفته و در صورت نیاز و یا ترمیم به‌روزتر گردد و حتی در بحث بسیار مهم مطالعات حقوق تطبیقی ضرورت دارد تا قوانین به‌صورت پویا و پایا خلاقانه تطبیق داده شود همه این مهم در سیستم حقوقی و اجرایی حقوقی نیازمند نهادینه شدن فرهنگ چنین تفکری و سپس عملیاتی کردن یک تفکر نظامند سازمانی و تخصصی خلاقانه و نوآورانه است.

### منابع

- احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۰) کارآفرینی (تعاریف نظریات، الگوها)، شرکت پردیس ۵۷، چاپ سوم
- رستم زاده، امین (۱۳۹۱)، شناسایی و بررسی آخرین قوانین سرمایه‌گذاری خارجی کشورهای ترکیه ...، پایان‌نامه کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد مراغه
- رستم زاده، امین (۱۳۸۹) مفاهیم و عملیات کارآفرینی، جزوه آموزشی ویژه دوره ۵۰ ساعته کارآفرینی و... موسسه کار و تأمین اجتماعی و اداره کل کار و تأمین اجتماعی، شرکت توسعه‌ی سامانه کارآفرینان
- رستم زاده، امین (۱۳۹۲) کار تیمی و حل خلاق مساله، جزوه آموزشی ویژه کارکنان جدیدالورود دستگاه‌ها از سلسله آموزش‌های مصوب ضروری کارکنان...، اداره کل آموزش و پژوهش استانداری آذربایجان غربی
- زبردست، علی - رستم زاده، امین (۱۳۸۵) اتحاد جبری خلاقیت و نوآوری، فصلنامه علمی تخصصی رویش، شماره ۱۵ سال چهارم
- سالازار، میلنو و هیئت نویسندگان (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر کارآفرینی، انتشارات کوهسار، چاپ دوم
- صمد آقایی، جلیل (۱۳۸۵) تکنیک‌های خلاقیت فردی و گروهی، موسسه عالی آموزش پژوهشی مدیریت و برنامه‌ریزی، چاپ دوم
- غنی نژاد، موسی (۱۳۸۰) چالش‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی، گروه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل
- فیض بخش، سید علی‌رضا، تقی یاری، حمیدرضا (۱۳۸۵) کارآفرینی، موسسه انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف، جلد اول چاپ دوم
- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل (۱۳۷۸) بایسته‌های حقوق اساسی، نشر دادگستری، چاپ ۴
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷) مقدمه علم حقوق، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۲۳
- محسن محبی (۱۳۸۵) رویه دآوری بین‌المللی درباره غرامت (دعاوی نفتی)، مجله حقوقی نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره سی و پنجم
- هیکینز، جیمز، ترجمه محمود احمد پور (۱۳۸۱) ۱۰۱ تکنیک حل خلاق مسئله، انتشارات امیرکبیر،